

خطوطی عمده در تربیت دختران نوجوان

دکتر علی قائمی

بخش دوم

در خط رشد دختران

نماید و نسبت به خود اعتماد پیدا کند.^{۳۱} به طور دائم باید به او گفت تو می توانی بزرگ باشی، تو می توانی پیش رفت کنی، تو می توانی خانم باشی و...

۴- تقویت عزت نفس: باید به گونه ای با او برخورد کرد که احساس عزت کند، خود را مهم بداند،^{۳۲} برای مسائل کوچک اعتنایی قائل نباشد. راز و درد خود را با هر کس در میان نگذارد، در برابر زشتی ها و پلیدی ها موضع انکار بگیرد، در برابر دشواری ها پیش هر کس آه و ناله سر ندهد و...

۵- پرورش روحیه نقدپذیری: در طریق رشد باید به او تفهیم کرد که هیچ گلی بی خار نیست، هیچ انسانی (جز معصومین) از خطا و لغزش، کوچک یا بزرگ، مصون نیست. انسان عاقل کسی است که نقد و تذکر دیگران را درباره خود بپذیرد و به اصلاح خویش بپردازد. پس، از انتقاد دیگران، رنجش و کینه ای به خود راه ندهد و حتی از آنان سپاس گزار باشد.^{۳۳}

۶- جهت داری عواطف: این مهم است که ترس و خشم و مهر و کین انسان، معقول، جهت دار و تعدیل شده باشد و در دوستی و

چه کنیم که دختران ما مدارج رشد و کمال را طی کنند و واجد ارزش های والا در حیات خود باشند؟ در این عرصه نکات متعددی مورد سفارش است که برخی از آن ها بدین قرارند:

۱- تفهیم ارزش خود: این مهم است که به دختران بفهمانیم وجودشان گران قدر و در مرز بهای بهشت است.^{۳۴} این اهمیت بدان خاطر است که فرد نا آشنا به بهای خویشتن، خود را بسی ارزان مورد معامله قرار می دهد و از آن بدتره، از شر آن کس که شخصیتش بر وی خوار و کوچک آید، در امان نتوانی بود.^{۳۵}

۲- تقویت کنترل درونی: ایمان همانند یک قدرت فوق العاده در درون انسان و عامل صیانت انسان از خطرها و آسیب هاست.^{۳۶} آن کس که به خدا و شاهد بودنش، به حساب و کتابش مؤمن است مراقبت دارد که تن به گناه و انحراف ندهد، و ایمان از این دید یک پلیس درونی است.

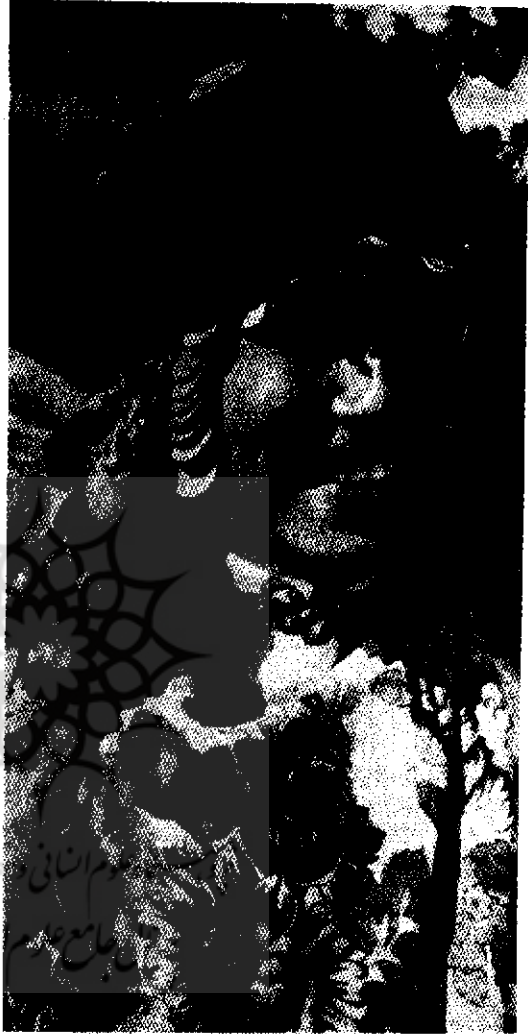
۳- شخصیت دادن به او: به این معنی که دائماً از عظمت و کرامت ذاتی او سخن بگوییم و او را با کلماتی چون: خانم، عزیز، جانم، وجودم و... مورد خطاب قرار دهیم تا احساس گران قدری

توانند بود. والدین و مریبان باید ملاک دوستی‌ها و معاشرت‌ها را معین و فرزندان را در انتخاب دوستان، با رعایت موازین حق، یاری رسانند که دوستی‌های ناباب گاهی زمینه‌ساز دوزخی شدن انسان‌هاست.^{۳۵}

۸ - ملاک‌داری در روابط: در روابط و ارتباطات برای آن کس که پای‌بند به مکتب و آئینی است، خط مکتب در بایدها و نبایدها اصل است^{۳۶} و در نوع و کیفیت آن وجود خود آدمی ملاک است. جمله معروفی از امام امیرالمؤمنین است که فرمود خود را میزان قرار دهید.^{۳۷} آن‌چه را برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و...

۹ - القای اندیشه‌های برتر: این خطاست که آدمی برای لذت بردن بخورد، بخوابد، یا زندگی کند. خور و خواب و لباس و همه ابزار زندگی‌اند و زندگی خود یک وظیفه است.^{۳۸} پس خطاست که آدمی برای کمبود ابزار زندگی دل‌نگران باشد، یا ابزار زندگی را هدف قرار دهد. در بینش اسلامی جهان برای انسان است نه انسان برای جهان. همه آن‌چه در زمین است برای انسان خلق شده،^{۳۹} ماه و خورشید... مسخر انسان است.^{۴۰}

۱۰ - تلقین گرامی‌داشت خود: دخترمان را چنان تربیت کنیم که خود را بپذیرد، برای رشد و کمال خود برنامه‌ریزی کند و از هر چه عامل پستی و دنائت است خود را دور و برکنار دارد. هوس‌مندی‌های شدید را برای او اسارت‌آور معرفی کنید، به ویژه از لذاتی که انسانیت انسان را زیر سؤال قرار داده، او را به صورت حیوانی در می‌آورد، زیرا او وجودی گران‌قدر و مورد تکریم خداوند است.^{۴۱}



دشمنی جانب‌اعتدال را نگه دارد. حی و بغض خود را رنگ الهی دهد،^{۴۲} در ابزار هر عاطفه‌ای ببیند خدا بدان راضی است یا نه و مرز آن تا چه حد و میزانی باید باشد.

۷ - مراقبت در معاشرت: وجود دوست و معاشرت، ضروری حیات است. اما فراموش نکنیم که دوستان همان‌گونه که در مواردی برای انسان نعمت‌اند در مواردی هم بلا و نقمت

عفاف و عوامل آن

اساس عفاف خود نگهداری و بازداری خویش است از سقوطها و از عوامل گرفتار کننده، و دامنه آن در برگیرنده همه اعضای وجودی و اندامهاست. عفاف چشم، بازداری آن است از نگاه حرام و هرزه گردی، عفاف شکم، دورداری آنها از غذای حرام است، عفاف دست، بازداری آن از تجاوز و لمس حرام است، و عفاف گوش، بازداری آن از سخن و آوای ناروا و... ارزش آن به میزانی است که در برخی از بازداریها (چون عفت جنسی) اجر شهادت برای آن منظور شده است.^{۴۲}

عوامل حفظ عفاف عبارتاند از: آگاهی به تعالیم خاص مکتب، ایمان و باور راستین به آن تعالیم، اراده‌ای که بر مبنای عقل و ایمان شکل گرفته باشد، استقامتی که آگاهانه و اندیشیده و در راه خدا باشد،^{۳۳} عادت‌هایی که زمینه را برای نهادینه شدن آن حالت فراهم آورد، تمرین و تکراری که موجب آن عادت باشد، خواست و رغبتی که او را وادار به پذیرش آن کند،^{۴۴} توان روحی‌یی که او را در برابر سرزنشها مقاوم سازد و اسیر ملامت دیگران نگردد و...^{۴۵}

چنین عفافی ضروری حیات پسران و دختران است، ولی برای دختران ضرورتر است. این امر بدان خاطر است که دختران در آینده‌ای نزدیک نقش‌های سرنوشت‌ساز همسری و مادری را باید بر عهده گیرند و از این جهت آنان را رسالت و مسئولیتی سنگین‌تر است.^{۴۶} کمبودهای اساسی جوامع ریشه در کمبود مادران شایسته، لایق و فاضله دارد.^{۴۷}

زمینه‌های تربیت دختران

دختران نوجوان ما زمینه لازم را برای تربیت

مطلوب در خود دارند. یک مربی شایسته کسی است که با بهره‌گیری از این زمینه‌ها آنان را به کمال لایق خود سوق دهد. اما آن زمینه‌ها بسیار و از آن جمله‌اند:

- زمینه‌های زیستی و رشد جسمانی که در مرز رسیدن به حد متهاست و در قدرت بدن نیز چنین است.

- زمینه بیداری غریزی که از صفات عمده آن خواستن و ایجاد تحرک برای وصول به مقصد است.^{۴۸}

- زمینه‌های فطری و وجدانی که خدادادی و جهت‌ده آدمی به سوی تعالی، رشد و کمال است.^{۴۹}

- زمینه‌های هوشی، عقلی و فکری که هوش در حرکت به سوی منتهای کمال و عقل و اندیشه در خط پخته شدن است.

- زمینه‌های عاطفی، به ویژه رشد مهر و محبت در آنان شرایط جدیدی از خواستن به وجود می‌آورد که می‌تواند محرک کمال‌جویی باشد.

- بیداری احساس مذهبی در آنان به حدی است که جهان برای آنان رنگ خدایی می‌گیرد و این یک مؤید است.^{۵۰}

- میل به قهرمان دوستی، شرافت دوستی و همانندی و تقلید هم در آنان یک زمینه کمال‌خواهی است.^{۵۱}

- ظرفیت روحی آنان در مرزی نسبتاً بالا و دارای توان تحمل بار تکلیف و مقاومت و استقامت در برابر شدائد است.^{۵۲}

- استعدادهای آنها در حال رشد و شکوفایی کامل و سعادت‌طلبی آنان در اوج است.^{۵۳} و این خود راه تربیت را هموار می‌کند.

- زمینه‌های اجتماعی، همدردی، تعاون و

- آمادگی برای پذیرش، انعطاف‌پذیری و تجلی اختیار و آزادی، زمینه دیگر در نوجوانان است.

و این مجموعه ایجاب می‌کند که به نوجوان نزدیک شویم و با القآت و تذکرات، ارائه الگو و مدل و نقد و محبت او را به راهی سوق دهیم که حاصل آن رشد و کمال باشد.

همیاری در آنان کاملاً محسوس است و این خود زمینه‌ای دیگر است.

- دوستدار نظم و انتظام در زندگی، ضابطه‌داری و قانون‌مداری‌اند و این برای مربی فرض است. ۵۴

پی‌نوشت‌ها:

- ۲۸- آیه ۱۱۱، سوره توبه.
- ۲۹- امام جواد (ع)، تحف العقول.
- ۳۰- آمار بین‌المللی نشان می‌دهد آنان که به خدا و معاد مؤمن‌اند، کم‌تر از جرم سر در می‌آورند. مبانی جرم‌شناسی، دکتر کی‌نیا، بخش مقدمه.
- ۳۱- اکرموا اولادکم - مکارم الاخلاق.
- ۳۲- و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین، آیه ۱۳۹، سوره آل عمران.
- ۳۳- مسلمانان صدر اسلام نقد و انتقاد را از مردم طلب و آنان را برای این خدمت دعا می‌کردند.
- ۳۴- یحب فی الله و یبغض فی الله... امام صادق (ع)، تحف العقول.
- ۳۵- آیه ۲۸، سوره فرقان.
- ۳۶- غرض پای‌بندی به ضوابط اخلاقی است.
- ۳۷- واجعل نفسک میزناً، نامه ۳۱، نهج البلاغه.
- ۳۸- در کتاب آزمایش تاریخ، به قلم نگارنده.
- ۳۹- خلق لکم ما فی الارض جمیعاً. آیه ۳۱، سوره بقره.
- ۴۰- آیه ۳۳، سوره ابراهیم.
- ۴۱- و لقد کرمنا بنی آدم، آیه ۷۰، سوره اسراء.
- ۴۲- من عشق، و عفت، و مات، مات شهیداً، پیامبر (ص)، بحار الانوار، ماده عفت.
- ۴۳- ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا... آیه ۳۰، سوره فصلت.
- ۴۴- اصولاً تا آدمی نخواهد، چیزی محقق نخواهد شد.
- ۴۵- آیه ۵۴، سوره مائده.
- ۴۶- تربیت‌های پایدار مرهون زحمات مادران است.
- ۴۷- سخنرانی ژنرال دوگل.
- ۴۸- و از ویژگی‌های آن جنبه‌های ادراکی، انفعالی و حرکتی است.
- ۴۹- فطرة الله التي فطر الناس عليها.
- ۵۰- بیداری آن را در سنین حدود ۱۲ سالگی دانسته‌اند.
- ۵۱- و بر اساس نظر روان‌شناسان از سنین ۱۱ سالگی در آدمی اوج می‌گیرد.
- ۵۲- از شرایط رشد در مرحله نوجوانی است.
- ۵۳- به ویژه که او در اوج آینده بینی است.
- ۵۴- او خود در اندیشه نظم‌دار کردن زندگی است.